سیاست

پاسخی به دکتر ابراهیم یزدی ۴

دیپلمات آهنی ۵

سیاست بین‌الملل

دو قاعده برای یک قانون ۶

اشغال پارلمان فلسطین ۷

سیاست بین‌الملل

پرو ایستگاه آخر پوپولیسم ۸

بزرگ‌ترین عملیات نظامی در افغانستان ۹

بنگاه‌ها

نستله ورزشگاه‌ساخت ۱۰

مانور در شانگهای

سیدمحمدحسین ملائک
سفیر اسبق ایران در پکن

منوچهر متکی وزیر خارجه در یک دیدار پیش‌بینی نشده به جای لاریجانی به اسپانیا رفت اما روز پنجشنبه خود را به احمدی‌نژاد خواهد رساند. عکس: فارس

روز چهارشنبه ۲۴ خرداد رئیس جمهور اسلامی ایرانی در راس هیاتی عالی‌رتبه برای شرکت در پنجمین سالگرد تاسیس سازمان همکاری شانگهای «SCO» به شهر شانگهای سفر کرد. حضور آقای احمدی‌نژاد در اجلاس فوق‌الذکر از آن جهت با اهمیت است که در یکی از حساس‌ترین و بحران‌ترین مقاطع تاریخ بعد از انقلاب اسلامی که آمریکا به همراه متحدین خود به رویارویی و تهدید آشکار جمهوری اسلامی ایران پرداخته، رئیس جمهوری ایران با آقای پوتین و آقای هوجین تائو روسای جمهور روسیه و چین روبه‌رو و هم‌صحبت خواهد شد. این لحظه استثنایی می‌تواند نقطه‌عطفی در روابط خارجی ایران برای آینده محسوب گردد. قطعاً پرونده هسته‌ای ایران مهم‌ترین موضوع در دستور کار کشور است. چین و روسیه تاکنون در مقابل تلاش‌های به رهبری آمریکا برای اعمال تحریم و فشار علیه ایران در پیگیری برنامه‌های هسته‌ای خود که واشینگتن و اروپایی‌ها اعتقاد دارند ماهیت نظامی دارد مقاومت کرده‌اند. اما هر دو کشور در تهیه و تنظیم «بسته» پیشنهادی که سولانا وزیر خارجه اتحادیه اروپا در هفته گذشته به ایران آورد نقش داشته‌اند و توافقاتی با طرف‌های اروپایی و آمریکایی کرده‌اند. در این «بسته» پیشنهادی ایران به هر صورت ترغیب شده است که برنامه اتمی خود را به تعلیق درآورد. دو برنامه کاری متفاوت در دستور کار ریاست جمهوری علی‌الاصول قرار خواهد داشت؛ پیگیری دستور کار مربوط به اجلاس شانگهای و در راس آن هموار کردن عضویت ایران در سازمان فوق‌الذکر و تنظیم برنامه‌های همکاری با دیگر اعضا و برنامه دوم ملاقات با روسای جمهور چین و روسیه. پیگیری اهداف مدنظر نظام با به‌کارگیری دیپلماسی دوجانبه در یک محیط چندجانبه با درک موقعیت کشورهای درگیر و توان و انگیزه‌های آنان هنر برنامه‌ریزان سیاست خارجی همراه این هیات عالی‌رتبه و در این مقطع زمانی حساس است. گروه موسوم به شانگهای پنج متشکل از چین، روسیه، قرقیزستان، قزاقستان و تاجیکستان پس از یک دوره پنج ساله از همکاری‌های مرزی و امنیتی و جلوگیری از شورش و تجزیه‌طلبی اقوام مسلمان در منطقه آسیای میانه با دعوت از ازبکستان از سال ۲۰۰۱ به سازمان همکاری شانگهای تغییر نام داد و بستر جدیدی برای همکاری منطقه‌ای در آسیای میانه شکل گرفت. سازمان همکاری شانگهای با گسترده‌تر کردن برنامه همکاری اعضا از توافقات مرزی و امنیت به امورات دفاعی، آموزشی و اقتصادی و حتی پارلمانی روند آرامی را برای همگون‌سازی ساختارهای متفاوت عناصر عضو آغاز کرد. آقای هوجین تائو رئیس جمهور چین در مصاحبه مطبوعاتی در ۳۰ ماه مه در مورد اجلاس ۱۵ ژوئن (۲۴ خرداد) سران می‌گوید: «سازمان همکاری شانگهای سازمانی انحصاری و علیه کشور ثالثی نیست و با به‌کارگیری اصول شفافیت و عدم تعهد از یک تفکر جدید امنیتی بر مبنای اعتقاد متقابل، منافع مشترک، مساوات و همکاری با احترام به فرهنگ‌های متفاوت اعضا برای توسعه مشترک پیروی می‌کند.» به گفته آقای هوجین تائو: «تجربه نشان داده است که سازمان شانگهای اهرم مهمی برای حفظ ثبات و امنیت منطقه و عامل ارتقای دموکراتیک روابط بین‌الملل و تشویق هماهنگی‌های منطقه‌ای است.» وی همکاری ضدتروریستی اعضای سازمان را مورد تقدیر قرار می‌دهد و آن را پایه حفظ ثبات منطقه می‌داند. ظاهر سطور فوق حاکی از آن است که سازمان همکاری شانگهای در حال ایفای نقش فعال برای به وجود آوردن نظام چندقطبی و به دور از یک‌جانبه‌گرایی آمریکا است که جزء اهداف و سیاست‌های جمهوری اسلامی ایران نیز است. لذا کاملاً قابل توجیه است که ایران به همراه پاکستان، مغولستان و هند از سال ۲۰۰۵ به عضویت ناظر این سازمان درآمده است تا پیگیر عضویت دائم خود نیز باشد. باید توجه داشت که سازمان همکاری شانگهای نمی‌تواند خارج از زمینه‌های فکری و سیاست‌های جهانی چین و روسیه قدرت مانور و تصمیم‌گیری داشته باشد. چین که پیشنهاددهنده اولیه تشکیل گروه شانگهای پنج است با این سازمان به دنبال جلوگیری از تجزیه‌طلبی و ناآرامی قوم ایغور در غرب این کشور و تنظیم یک رابطه دوستانه و استراتژیک با روسیه و دستیابی به منابع نفت و انرژی آسیای میانه و به دست آوردن بازار فروش محصولات تولیدی خود است. روسیه نیز با حضور در این سازمان به دنبال تنظیم یک رابطه استراتژیک با چین در جهت توازن قوای جهانی و حفظ باقی مانده نفوذ شوروی سابق در آسیای میانه است. اما هر دو کشور از سازمان شانگهای در ابعاد ژئوپولتیکی نیز استفاده کرده‌اند. هر دو تلاش می‌کنند تا نفوذ آمریکا در این منطقه بسته را به حداقل برسانند. چین حتی در هماهنگی با این سازمان تلاش کرد از طرح عضویت ژاپن و هند در شورای امنیت سازمان ملل جلوگیری نماید. برای سایر کشورهای عضو ارزش تاثیرگذار زیادی نباید در عرصه سیاستگزاری در سازمان همکاری شانگهای قائل بود. اصلی‌ترین نکته‌ای که ایران را علاقه‌مند به پیوستن به سازمان همکاری شانگهای می‌کند استفاده از امتیاز بازی ژئوپولتیک چین و روسیه و کمک به کاهش نفوذ آمریکا در منطقه است و پس از آن است که ایران به همکاری‌های منطقه‌ای و حوزه انرژی چشم می‌دوزد و اگرچه ایران با اسلام طالبانی ریشه‌دار در این منطقه سر سازگاری ندارد اما ماهیتاً داعیه‌ای نیز علیه این گروه‌ها ندارد تا بتواند در اتفاق و همکاری ضداسلامی یا به اصطلاح رایج در سازمان شانگهای ضدتجزیه‌طلبی و تروریستی نقش فعالی را ایفا نماید. عضویت تعهدآور ایران به همراه پرونده بحران‌آلود هسته‌ای در این سازمان نوپا که موسسین آن در حال حاضر حداکثر استفاده را از آن برده و ضرر کمی را متحمل شده‌اند قدری دور از انتظار خواهد بود و هیات عالی‌رتبه ایران در این سفر نباید تلاش خود را بر پیگیری عضویت ایران در این سازمان متمرکز سازد. زیرا ظرفیت‌های استفاده از اهرم‌های ژئوپولتیکی در این سازمان در حال حاضر محدود است. مهم آن است که روسیه و چین در ورای سازمان همکاری شانگهای ظرفیت‌های زیادی برای همکاری با ایران دارند. چین مهم‌ترین شریک تجاری ایران و روسیه نیز به‌رغم رابطه محدود اقتصادی‌اش با ایران همکاری‌های وسیعی در پروژه‌های فنی در ایران داشته و دارد. تنظیم رابطه‌ای دوجانبه با روسیه و چین در عالی‌ترین سطح ممکن و بستن راه‌های انعطاف این کشورها در قبال غرب روی پرونده ایران سیاستی است که علی‌الاصول مناسب است پیگیری شود. از میان دو کشور چین و روسیه، چین بیشترین زمینه را برای انعطاف در مقابل فشارهای آمریکا در مسئله ایران دارد. این کشور با دو معضل تامین و تضمین امنیت انرژی و مقابله با فشار آمریکا برای کاهش ارزش «یوان» پول رایج خود روبه‌رو است. برد تمایلات ژئوپولتیکی چین به ژاپن و آسیای میانه و تنگه مالاکا محدود است و هنوز به ایران نرسیده است، اگر انرژی مورد نیاز چین تامین و تضمین شود برای چین فعلاً و تاکید می‌شود فعلاً فرقی بین ایران و عربستان وجود ندارد گو اینکه عربستان می‌تواند شریک کم‌دردسرتری باشد. سفر پادشاه عربستان به چین و متعاقباً سفر هوجین تائو به عربستان ظرف شش ماه گذشته تلاشی بود برای آرام کردن نگرانی‌های چین برای تامین انرژی در صورت وقوع بحران در رابطه با ایران. اگر فشار آمریکا بر چین برای کاهش ارزش «یوان» نیز قدری آرام بگیرد چین انگیزه‌ای برای تحریک آمریکا در حمایت از ایران برای خود نخواهد یافت. سخنگوی وزارت خارجه چین در شش ماهه گذشته که اوج همکاری چین با اروپا بوده است در سه مورد تاکید کرده: «برنامه هسته‌ای ایران نباید ماهیت نظامی داشته باشد.» اعلام این مواضع حاکی از آن است که یا اروپا چین را به نظامی بودن برنامه‌های ایران متقاعد کرده و یا چین زمینه را برای فاصله گرفتن از ایران آماده می‌کند. اما روسیه زمینه و انگیزه همکاری در عرصه ژئوپولتیک با ایران را دارد. منافع این کشور در حوزه توازن قوا، دنیای چندقطبی، خاورمیانه و حتی انتقال انرژی نمی‌تواند بدون در نظر گرفتن ایران به درستی تامین شود. هنر و قدرت دیپلماسی هیات ایرانی در آن است که بتواند در کنار سازمان همکاری شانگهای و ملاقات‌های دوجانبه اجلاس سران سه‌جانبه با روسیه و چین با هدف هماهنگی تعهدآور برگزار نماید. اگر در چنین جلسه‌ای منافع سه کشور حتی با حداقل‌ها به یکدیگر گره زده شود می‌تواند نقطه‌عطفی تاریخی برای منطقه و جهان باشد.

ادامه سرمقاله

پس از استقرار جمهوری اسلامی و به ویژه پس از آغاز جنگ عراق و ایران، به تدریج جو اعتماد بیشتری میان دو کشور ایجاد شد و دو طرف علاقه‌مندی خود را نسبت به توسعه مناسبات ابراز داشته و با ایجاد جو تفاهم، این روابط در زمینه‌های مختلف همواره رو به رشد و دارای سیر صعودی بوده است. در همین راستا، سفر رهبران و مقامات عالی‌رتبه دو کشور، روابط دوجانبه را هرچه بیشتر گسترش داده و تعمیق بخشیده است. سفر آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی رئیس وقت مجلس شورای اسلامی در تیر ۱۳۶۴ (۱۹۸۵ میلادی)، سفر حضرت آیت‌الله خامنه‌ای رئیس جمهوری وقت در اردیبهشت ماه ۱۳۶۸ (۱۹۸۹ میلادی)، سفر حجت‌الاسلام والمسلمین جناب آقای کروبی ریاست وقت مجلس شورای اسلامی در آذرماه ۱۳۷۰ (۱۹۹۱ میلادی)، سفر جناب آقای رفسنجانی در شهریور ۱۳۷۱ (۱۹۹۲ میلادی)، سفر مقام محترم ریاست جمهوری جناب آقای خاتمی در تابستان ۱۳۷۹ (۲۰۰۰ میلادی) و سفر حجت‌الاسلام جناب آقای کروبی در اسفند ۱۳۸۱ (۲۰۰۱ میلادی) از جمله سفرهای مقامات بلندپایه کشور ایران به چین هستند. علاوه بر این، در سال‌های اخیر برخی دیگر از مقام‌های کشورمان از جمله وزرای امور خارجه، کشاورزی، نفت، راه و ترابری، معادن و فلزات، بهداری، پست و تلگراف و تلفن (ارتباطات)، جهاد سازندگی، مسکن و شهرسازی، اقتصاد و دارایی، بازرگانی، کار و امور اجتماعی، فرهنگ و ارشاد اسلامی و همچنین معاونان و مشاوران ریاست جمهوری در امور اجرایی، سیاسی، انرژی، تربیت‌بدنی، رئیس کل بانک مرکزی، معاونان مجلس شورای اسلامی، نمایندگان مجلس شورای اسلامی، هیات دوستی پارلمانی و معاونان بسیاری از وزارتخانه‌ها از جمهوری خلق چین بازدید و در حوزه وظایف خود با مسئولین این کشور گفت‌وگو کرده‌اند. همچنین از طرف چین نیز رهبران و مقام‌های عالی‌رتبه از جمله یانگ‌شان کن رئیس جمهور، لی‌پنگ نخست‌وزیر، ون‌لی رئیس کنگره ملی خلق، هوجین تائو معاون رئیس جمهور وقت و وزرای امور خارجه، کشاورزی، راه‌آهن، روابط اقتصادی و تجارت خارجی، بهداری، بازرگانی، مسکن، ماشین‌آلات و صنایع الکترونیک و وزیر ارتباطات حزب کمونیست چین و معاونان و مقامات برخی وزارتخانه‌های چین از جمهوری اسلامی ایران دیدار داشته‌اند. همچنین در فروردین ماه ۱۳۸۰ آقای «جیانگ زمین» در راس هیاتی از ایران دیدن کرد. در این سفر شش سند همکاری در زمینه‌های اقتصادی، علمی و فرهنگی امضا شد که بر اساس آن همکاری‌های دوجانبه در عرصه نفت و گاز، بازرگانی، حمل و نقل، فناوری اطلاعات و مبادلات فرهنگی و آموزشی گسترش یافت. همچنین دو کشور در بسیاری از مسائل بین‌المللی و منطقه‌ای دارای دیدگاه‌های مشترکی هستند. ایران و چین خواهان افزایش نقش سازمان ملل در مسائل جهانی، ممانعت از به‌کارگیری سلاح‌های اتمی و شیمیایی، مخالف نظم نوین جهانی پیشنهادی از سوی آمریکا و استقرار نظم نوین سیاسی و اقتصادی با مشارکت همه کشورها به‌طور مساوی هستند.

■ ۳- چشم‌انداز مناسبات دو کشور ایران و چین

سال‌ها است که نگاه به شرق و گسترش رابطه با کشورهای آسیایی جزء اولویت‌های سیاست خارجی ایران است. بر این اساس تهران دارای روابط گسترده با اکثر کشورهای آسیایی است. مهمترین شرکای اقتصادی ایران در آسیا عبارتند از ژاپن، چین و کره جنوبی و کشورهای اروپایی در مرحله بعدی قرار دارند. در حال حاضر مناسبات اقتصادی تهران ـ پکن به حدود ۱۰ میلیارد دلار در سال می‌رسد و تراز تجاری به نفع ایران است. شرکت‌های مختلف چینی در زمینه‌های گوناگون در بازار ایران فعالیت دارند و نزدیک به صد پروژه در ایران در اختیار شرکت‌های دولتی و خصوصی چینی است. پروژه‌هایی که اکنون توسط شرکت‌های دولتی و خصوصی چین انجام می‌شود، طرح‌های اساسی، بنیادی و زیربنایی است. عرصه نفت و گاز یکی از میدان‌های جدید همکاری است و از ظرفیت بالایی هم برخوردار است و در این ارتباط قراردادها و توافقنامه‌های مهمی بین دو کشور به امضا رسیده است. پیش‌بینی می‌شود در سال‌های آتی حجم روابط تجاری دو کشور از مرز ۱۰ میلیارد دلار هم فراتر برود. از بعد فرهنگی و آموزشی دو کشور دارای روابط تعریف شده و قابل اتکایی هستند. هر ساله در ایران و یا در چین هفته فرهنگی دو کشور برگزار می‌شود و هیات‌ها و تیم‌های هنری میان دو طرف در تردد هستند. هر ساله علاوه بر دانشجویانی که با ابتکار شخصی برای ادامه تحصیل به چین می‌روند، بین هشت تا پانزده دانشجو از ایران با بورس دولتی به چین اعزام می‌شوند و تعدادی دانشجوی چینی هم با پذیرش دولتی برای ادامه تحصیل به ایران می‌آیند. بنابراین همکاری‌های فرهنگی و علمی خوبی میان دو کشور برقرار است و در چارچوب گفت‌وگو میان فرهنگ‌ها و ادیان، هر ساله هیات‌های مختلفی تبادل و پذیرایی می‌شود. بنابراین در یک جمع‌بندی اجمالی می‌توان گفت که روابط ایران و چین دارای تنوع و گوناگونی لازم بوده و در چشم‌انداز میان‌مدت، روابطی پایدار و قابل اتکا ارزیابی می‌شود.

■ ۴- نقش انرژی و نفت و گاز در روابط ایران و چین

با توجه به اینکه چین بازار بزرگ مصرف آینده دنیا است و ایران نیز یکی از بزرگترین تولیدکنندگان انرژی در جهان است، چین یک بازار قابل اتکا برای ایران است و ایران نیز با توجه به ذخایر عظیم نفتی یک تامین‌کننده قابل اتکا برای چین محسوب می‌شود. در حقیقت دو کشور ایران و چین در دو سوی آسیا از نظر اقتصادی مکمل یکدیگر قلمداد می‌شوند. کشور چین روز به‌روز نیاز بیشتری به مصرف انرژی دارد و ایران نیز به نوبه خود یکی از بزرگ‌ترین تولیدکنندگان نفت و گاز است. از نظر دو طرف، امنیت انرژی و امنیت تولید و عرضه آن بسیار مهم است. شاید بتوان ادعا نمود در آینده نه‌چندان دور، امنیت تولید و عرضه نفت و گاز تا حد زیادی در گرو همکاری‌های راهبردی ایران و چین است. همچنین چین برای توسعه خود نیاز به انرژی تمیز دارد و این انرژی تمیز تا حد زیادی در گرو مصرف گاز است که ایران یکی از بزرگترین تولیدکنندگان عمده آن است. پس می‌توان گفت سال‌های آتی، سال‌های مشارکت طلایی ایران و چین است. همکاری‌های ایران و چین در بخش انرژی با امضای تفاهم‌نامه مهم همکاری‌های بین دو دولت نهایی شده است. در سند تفاهم شده میان دو دولت موارد مهمی از جمله محورهای زیر قرار دارد:

– همکاری بلندمدت ایران و چین در زمینه نفت و گاز؛

بدین معنی که همکاری‌های دو طرف در عرصه همکاری‌های انرژی ۲۵ تا ۳۰ ساله خواهد بود و جریان صادرات نفت ایران به چین و خرید نفت توسط چین از ایران به‌صورت بلندمدت تضمین گردید.

– خرید سالانه ده میلیون تن گاز طبیعی (LNG) از ایران؛

واگذاری بازار ۱۰ میلیون تنی گاز مایع به ایران از سوی چین یک تصمیم راهبردی تلقی می‌شود و در صورت توافق شرکت‌های دوطرف، این صادرات از یکی دو سال آینده آغاز و تا ۲۵ سال ادامه خواهد داشت.

– واگذاری امتیاز توسعه برخی میدان‌های نفتی به چین؛

دولت ایران در یک تعهد متقابل، موافقت نموده است که امتیاز توسعه یکی از میدان‌های بزرگ نفتی خود را به چین واگذار نماید. این تصمیم برای دو طرف از اهمیت زیادی برخوردار است و شرکت‌های نفتی چین با این تصمیم ضمن دسترسی به چاه‌های استراتژیک منطقه نفتی خلیج‌فارس، به میدان رقابت بین‌المللی پای خواهند گذاشت.

■ ۵ ـ سطح مناسبات دو کشور و ظرفیت‌های آن

مناسبات تهران- پکن از نگاه سیاسی در سطح قابل قبولی قرار دارد. اما این مناسبات دارای ظرفیت‌های بالقوه‌ای است که می‌تواند بسیار بالاتر از آن چیزی باشد که اینک شاهد آن هستیم. روابط ایران و چین از جهت اقتصادی و فرهنگی هنوز گنجایش توسعه زیادی دارد که به دلیل فقدان استراتژی و فراز و نشیب‌های موسمی از ثبات و پویایی لازم برخوردار نیست و دوطرف باید اقدامات موثری را برای رفع این مشکلات به عمل آورند. اقدام‌های ضروری برای اثر بخش‌تر کردن مناسبات دو قدرت آسیایی و ایجاد شرایط مساعدتر می‌تواند این قدم‌ها باشد:

اول: تبادل هیات‌های تجاری در دو بخش دولتی و خصوصی افزایش یابد و بیشتر به آن پرداخته شود.

دوم: با ایجاد یک مکانیسم موثر به تبادل اطلاعات به روز و فرصت‌های موجود در دو کشور همت بگماریم و در اصل قادر شویم اطلاعات، توانایی و تکنولوژی چین را به مردم و شرکت‌های ایران منتقل کنیم و شرکت‌های چینی هم نسبت به سطح فناوری، توانایی‌ها و ظرفیت‌های واقعی ایران مطلع‌تر شوند.

سوم: توسعه همکاری‌های بخش‌های خصوصی اقتصادی دو کشور، تقویت روابط در صنایع کوچک و متوسط چین و ایران است.

چهارم: برقراری تعرفه‌های خاص و حمایتی بین دو کشور و تعرفه‌های ترجیحی مانند تعرفه‌هایی که بین کشورهای عضو بلوک‌های اقتصادی یا WTO وجود دارد که کالاها با مالیات و عوارض پایین‌تر بین آنان مبادله می‌شود.

منظور از تعرفه‌های ترجیحی و حمایتی برداشتن مشکلات از سر راه صادرکنندگان و واردکنندگان کالا است که قدرت رقابت را در بازار یکدیگر داشته باشند. مثلا کیفیت پسته ایران چند برابر کیفیت پسته‌های موجود در بازار چین است اما به دلیل تعرفه زیاد، بازرگانان نمی‌توانند آن را وارد کنند و در عوض پسته‌های باکیفیت پایین‌تر بازار چین را قبضه کرده است.

پنجم: تلاش برای ایجاد یک بانک مشترک خصوصی بین دو کشور نظیر بانک ایران و چین برای حمایت از همکاری‌ها دو کشور و ایجاد تسهیلات تجاری، پولی و مالی برای بازرگانان دو کشور است. اینک نمونه چنین بانکی بین ایران و ژاپن وجود دارد.

ششم: تشکیل شرکت‌های مشترک حمل و نقل بین ایران و چین، این شرکت می‌تواند شامل خطوط هوایی، دریایی و ریلی مشترک باشد. این امر باعث خواهد شد کالاها ارزان‌تر به کشور مقابل حمل شود. با توجه به اینکه اقتصاد دو کشور به سمت خصوصی‌سازی پیش می‌رود و به تدریج از نقش اقتصادی دولت کاسته می‌شود می‌توان وظیفه ایجاد شرکت مشترک حمل و نقل را به بخش‌های خصوصی دو طرف واگذار کرد. اگر چه ایران و چین معتقد به نظارت دولت بر اقتصاد هستند، اما امور اجرایی بهتر است در دست بخش خصوصی قرار گیرد و این به نفع دو کشور خواهد بود. هفتم: ضرورت بعدی، برقراری سیستم اعتبارات حمایتی دولتی از سوی چین و ایران برای پشتیبانی از صنایع کوچک و متوسط است که دولت چین می‌تواند این اعتبارات را به مناطق آزاد ایران و صنایع کوچک و متوسط اختصاص دهد و ایران هم می‌تواند به مناطق غربی چین که در حال توسعه است توجه داشته باشد. هشتم: با توجه به مزیت‌های نسبی در ایران، نظیر ارزان بودن منابع انرژی، وجود منابع مختلف و ارزان بودن نیروی کار؛ بخشی از تکنولوژی تولید کالاهای چینی به ایران منتقل شده و این کالاها با استاندارد چین تولید شود و در منطقه خاورمیانه و آسیای میانه به‌طور مشترک عرضه گردد. نهم: با توجه به ضرورت گسترش شناخت و تقویت تبادل اطلاعات بهنگام، شرایط رفت و آمد و تسهیلات ویزایی و گردشگری میان دو کشور بیشتر شود. چراکه مردم چین گمان می‌کنند که ایران فقط تولیدکننده نفت است، در حالی که ایران با دارا بودن منابع عمده دیگر همچون نیروی کار ماهر، تولیدات متنوع دیگر، کارخانجات تولیدی معظم، صنایع سنگین، پتروشیمی و غیره می‌تواند یک شریک قوی و مطمئن برای چین در غرب آسیا و خاورمیانه باشد و این اطلاعات باید به مردم چین داده شود و روابط گردشگری می‌تواند روند صحیح گردش اطلاعات را تقویت کند.

■ ۶- ایران- چین و همکاری‌های آسیایی

امروزه روابط ایران و چین از دیدگاه واشینگتن، در چارچوب منافع آمریکا ارزیابی نمی‌شود، زیرا این روابط زمینه‌ساز انسجام و هماهنگی کشورهای آسیایی است و این انسجام با منافع غرب و ایالات متحده سازگار نیست. در عوض ایران و چین در آسیای متحد دارای منافع راهبردی هستند و هر اقدامی که بتواند کشورهای آسیایی را به هم نزدیک‌تر نماید در حوزه منافع تهران ـ پکن ارزیابی می‌شود. ایران و چین می‌دانند که کشورهای آسیایی دارای اشتراکات زیادی با یکدیگر هستند. آسیا از جمعیت، وسعت زیاد و منابع طبیعی غنی برخوردار است و کشورهای آسیایی فرصت‌های خوبی برای همکاری دارند. چین مدت‌ها است که برای مقابله آرام و صبورانه با «جهانی‌سازی» به‌دنبال یک هویت نوین آسیایی است و ایران می‌تواند پرچمدار این «هویت آسیایی» در غرب قاره آسیا باشد. به‌ویژه آنکه در سال‌های اخیر، نگاه ایران بر همکاری با کشورهای آسیایی متمرکزتر شده است. بر این اساس، ایجاد یک شبکه ارتباطی از چین تا اروپا که بتواند کشورهای چین، روسیه، هند، ایران، پاکستان، افغانستان و آسیای غربی و مرکزی را دربرگیرد، نیاز و ضرورت فعلی آسیا است. این حرکت می‌تواند در قالب یک گذرگاه ترانزیتی به عنوان شاهرگ حیاتی یک اتحادیه اقتصادی تعریف شود. اگرچه اختلافاتی میان کشورهای منطقه آسیا به‌طور جسته و گریخته وجود دارد اما با مکانیسم‌هایی که آنها برای حل اختلافات خود تعریف نموده و ایجاد کرده‌اند می‌توان امیدوار بود که دامنه این منازعات از داخل این اتحادیه فراتر نرود و به‌طور مسالمت‌آمیز و مناسبی حل و فصل شود، اگر چه این سازوکارها مانع از تهدید آنها از سوی قدرت‌های فرامنطقه‌ای نمی‌شود ولی ایران و چین در دو سوی آسیا می‌توانند نقطه‌های اتکای قابل توجهی باشند. این ایده خیلی هم با ذهن رهبران آسیایی فاصله ندارد و کشورهای آسیایی به‌تدریج دریافته‌اند که برای حفظ قدرت و منافع خود باید «هویتی منطقه‌ای» دست و پا کنند و ضرورت چنین همبستگی را در قالب «سازمان همکاری‌های شانگهای» و «گفت‌وگوهای» آسیایی دریافته‌اند. این کشورها در عمل مشاهده کرده‌اند که عمده مشکلات آنها ناشی از سوءاستفاده قدرت‌های فرامنطقه‌ای از وجود اختلافات موجود و بعضاً جزیی میان این کشورها است. بنابراین قطعاً وجود چنین اتحادیه‌ای برای کشورهای عضو جامعه بزرگ آسیا ضروری بوده و با توجه به پتانسیل‌های بالای این کشورها، کارایی بسیاری در همبستگی و رفع اختلافات میان کشورهای این قاره ایفا خواهد نمود.

خبرها

ایران چند هفته وقت دارد

ایسنا: آمریکا ابراز امیدواری کرد ایران به پیشنهادی که اعضای دائم شورای امنیت و آلمان درباره برنامه هسته‌ای تهران ارائه داده‌اند، به شکلی مثبت پاسخ دهد. به گزارش خبرگزاری شینهوا، شان مک‌کورمک سخنگوی وزارت امور خارجه آمریکا گفت: امیدواریم ایران به پیشنهادی که به آنها عرضه شده، به شکل مثبتی پاسخ دهد. وی ادامه داد: آنها باید تصمیمی اتخاذ کنند و ما شاهد خواهیم بود که این تصمیم چگونه خواهد بود. مک‌کورمک ادامه داد: کاندولیزا رایس وزیر امور خارجه آمریکا با برخی وزیران خارجه کشورهای پیشنهاددهنده درباره این مسئله مکالماتی تلفنی داشته است. سخنگوی وزارت امور خارجه آمریکا گفت: ایران باید ظرف چند هفته به پیشنهاد غرب پاسخ دهد، نه ظرف چند ماه.

نخست‌وزیر چین درباره برنامه هسته‌ای ایران گفت‌وگو می‌کند

ایسنا: نخست‌وزیر چین در سفر به آفریقای جنوبی درباره برنامه هسته‌ای ایران گفت‌وگو خواهد کرد. به گزارش خبرگزاری پایگاه اینترنتی بیزینس‌نیوز، عزیز فهد معاون وزیر امور خارجه آفریقای جنوبی روز سه‌شنبه گفت: ون جیابائو نخست‌وزیر چین در سفری دوروزه به آفریقای جنوبی که در روز ۲۱ ژوئن (۳۱ خرداد) آغاز خواهد شد با تابو امبکی رئیس جمهور این کشور در کیپ‌تاون دیدار خواهد کرد و پس از آن ریاست نشست بازرگانان چینی و آفریقای جنوبی را عهده‌دار خواهد شد. فهد گفت که بررسی روابط دو جانبه سیاسی و اقتصادی میان دو کشور ازجمله ارتقای تجارت و سرمایه‌گذاری در دستور کار نشست جیابائو و امبکی قرار دارد. این گزارش حاکی است دو طرف همچنین درباره مسائل امنیتی ازجمله مسائل هسته‌ای ایران و کره شمالی گفت‌وگو خواهند کرد.

گفت‌وگوی تلفنی رایس با همتایانش

ایسنا: کاندولیزا رایس درباره برنامه هسته‌ای ایران با همتایانش در کشورها تبادل نظر کرد. به گزارش خبرگزاری فرانسه، شان مک‌کورمک سخنگوی وزارت امور خارجه آمریکا گفت که کاندولیزا رایس وزیر امور خارجه این کشور روز سه‌شنبه با لی ژائو شینگ همتای چینی‌اش تماس گرفت و درباره مسئله ایران صحبت کرد. وی افزود: رایس مکالمات اندکی با برخی وزیران امور خارجه درباره این مسئله داشت که اکنون در کجا قرار داریم. یک مقام عالی‌رتبه وزارت امور خارجه آمریکا که خواست نامش فاش نشود، گفت: رایس اواخر روز دوشنبه با تارو آسو همتای ژاپنی‌اش و در روز سه‌شنبه با مارگارت بکت و فرانک والتر اشتاین‌مایر وزیران امور خارجه انگلیس و آلمان صحبت کرد. مقام یاد شده درباره ضرورت گفت‌وگوی رایس با آسو گفت: دو طرف درباره نقشی که ژاپن می‌تواند در رابطه با ایران داشته باشد گفت‌وگو کردند.

حمله به کنسولگری ایران در بصره

فارس: حدود ۵۰۰ تن از پیروان «محمود الحسنی» یک شخصیت عراقی به کنسولگری ایران در بصره حمله کردند. به گزارش خبرگزاری آسوشیتدپرس این افراد دیروز به سوی ساختمان سنگ پرتاب کرده و ساختمانی را در مجموعه دیپلماتیک به آتش کشیدند. سفارت ایران در بغداد حمله به کنسولگری خود در بصره را تایید کرد که دومین شهر نفت‌خیز عراق در ۵۵۰ کیلومتری جنوب شرق بغداد است اما اعلام کرد نمی‌داند چه گروهی از این خشونت‌ها حمایت می‌کرده است. این سفارتخانه همچنین اعلام کرد هیچ گزارشی از مجروحان این حادثه گزارش نشده است. «مشتاق کاظم» از پلیس عراق گفت این حمله ظاهراً توسط طرفداران محمود الحسنی و در اعتراض به پخش برنامه‌ای در تلویزیون ایران ترتیب داده شده بود که در آن وی را به عامل اسرائیلی بودن متهم کرده بودند. تظاهرکنندگان در اصلی ساختمان را شکسته و به سوی آن سنگ پرتاب کردند. آنها همچنین اتاقک پذیرش را به آتش کشیده و خودروی متعلق به کنسولگری را تخریب کردند. یک عراقی از پشت‌بام این ساختمان بالا رفت و پرچم ایران را به زمین انداخت و پرچم عراق را به جای آن گذاشت. این در حالی است که بنابر گزارش رسانه‌ها عناصر «موساد» در تازه‌ترین برنامه خود به تحریک محمود الحسنی برای تحریک علیه مرجعیت شیعه برای تضعیف جایگاه شیعیان و ایجاد اختلاف میان مردم عراق پرداخته‌اند. فرد مذکور طلبه‌ای است که پس از سقوط صدام با حمایت مالی منابع مشکوک و نزدیک به اسرائیل، از لبنان وارد عراق شد، اما با این حال برخی رسانه‌ها تمایل دارند او را «آیت‌الله» بخوانند و وی را مرجعی شیعی قلمداد کنند.

نیازمندیهای شرق
انتخاب اول
آگهی خود را به روز بخوانید
تا ساعت ۲ بعدازظهر دریافت آگهی
انتشار روز بعد